

کتاب دانیال — ایک سو چودہ نمبر

The Last Generation: Unveiling Ezekiel's Prophetic Fulfillment and the Sealing of the 144,000

Jeff Pippenger

2024-03-03

ہفہ نسل چپ د ۲۰۰۱ کال د سپتمبر پہ امہ یپ د درہیمپ «افسوس» رات گ ولید، د خ مکب د تاریخ وروستی نسل دی۔ د حزقیال ہفہ برخہ چپ دا حقیقت تصدیقوی، د مہلریانو له خوا داسپ درک شوپ وہ چپ پہ مستقیم دول د لسو پہلو له تمثیل سرہ، او له ہمدپ املہ د حقوق دوہم باب سرہ، تراو لری۔ پہ ہفہ تاریخ کپ، د حقوق دوہم باب ہفہ رؤیا چپ «نور بہ خن د ونہ کپری» او چپ د ۱۸۴۴ کال د اکتوبر پہ ۲۲ امہ پورہ شوہ، پہ متحدہ ایالاتو کپ د نردپ را روان یکشنبپ د قانون مخکینی انخو و۔ خو د حزقیال ہفہ وړاندوینہ چپ د ہغپ رؤیا پہ ارہ دہ چپ نور بہ ونہ غخول شی، پہ بشپړہ توگہ د یو لک او خلو پښتو زرو د مہر لگولو پہ تاریخ کپ پورہ کپری، کوم چپ د ۲۰۰۱ کال د سپتمبر پہ امہ د درہیمپ «افسوس» پہ رات گ سرہ پیل شو۔

اور کلام خداوند مجھ پر نازل ہوا کہ، اے آدم زاد، یہ کیسی مثل ہے جو تم اسرائیل کی سرزمین میں کہتے ہو کہ دن طول پکڑتے جاتے ہیں اور ہر رويا باطل ہو جاتی ہے؟ اس لیے ان سے کہہ دے، خداوند خدا یوں فرماتا ہے: میں اس مثل کو موقوف کر دوں گا، اور وہ اسے اسرائیل میں پھر مثل کے طور پر استعمال نہ کریں گے؛ بلکہ ان سے کہہ، دن نزدیک آ پہنچے ہیں اور ہر رويا کی تکمیل بھی۔ کیونکہ اسرائیل کے گھرانے میں نہ کوئی باطل رويا باقی رہے گی اور نہ خوشامدانہ غیب دانی۔ کیونکہ میں خداوند ہوں؛ میں کلام کروں گا، اور جو بات میں کہوں گا وہ پوری ہو کر رہے گی؛ اس میں پھر تاخیر نہ ہوگی؛ کیونکہ اے سرکش گھرانے، تمہارے ہی دنوں میں میں یہ کلام کہوں گا اور اسے پورا بھی کروں گا، خداوند خدا فرماتا ہے۔ پھر خداوند کا کلام مجھ پر نازل ہوا کہ، اے آدم زاد، دیکھ، اسرائیل کے گھرانے کے لوگ کہتے ہیں، جو رويا وہ دیکھتا ہے وہ ابھی بہت دنوں بعد کے لیے ہے، اور وہ اُن زمانوں کی نبوت کرتا ہے جو بہت دور ہیں۔ پس ان سے کہہ دے، خداوند خدا یوں فرماتا ہے: میری کسی بات میں اب مزید تاخیر نہ ہوگی، بلکہ جو کلام میں نے فرمایا ہے وہ پورا کیا جائے گا، خداوند خدا فرماتا ہے۔ حزقی ایل 12:21-28۔

ہمہ انبیا از ایام آخر سخن می گویند، و «رؤیای باطل» و «غیب گویی چاپلوسانہ» «در میان خاندان اسرائیل»، همان باران آخر جعلی است؛ پیامی از «سلامتی و ایمنی» کہ استدلال می کند «رؤیایی کہ او می بیند برای روزهای بسیاری در آینده است، و او درباره زمان های بسیار دور نبوت می کند.» این همان «مباحثہ» ای است کہ در حقوق آمدہ است، زیرا آنان کہ «رؤیای باطل» را عرضہ می کنند، بر ضد «رؤیایی کہ او می بیند» استدلال می نمایند. ایشان ادعا می کنند کہ «رؤیایی کہ او می بیند برای روزهای بسیاری در آینده است، و او درباره زمان های بسیار دور نبوت می کند.» پیام آوران پیام سلامتی و ایمنی ادعا می کنند: «ایام بہ درازا کشیدہ است، و ہر رؤیا باطل شدہ است»، مگر نہ اینکہ او 18 ژوئہ 2020 را پیشگویی کردہ بود؟ پیام آوران «رؤیای باطل» همچنین در دو آیہ نخست این باب، بہ وسیلہ حزقیال معرفی شدہ اند۔

اور خداوند کا کلام مجھ پر نازل ہوا کہ: اے ابن آدم، تو ایک باغی گھرانے کے درمیان بسا ہوا ہے، جن کے پاس دیکھنے کے لیے آنکھیں ہیں مگر وہ دیکھتے نہیں؛ سننے کے لیے کان ہیں مگر وہ سنتے نہیں، کیونکہ وہ ایک باغی گھرانہ ہیں۔ حزقی ایل 12:1، 2۔

انبیاء همگی با یکدیگر متفق اند و همگی از ایام آخر سخن می گویند، و هنگامی که مسیح در جریان خدمت خود با یهودیان مجادله گر سخن گفت، از اشعیا نقل کرد تا آن یهودیان مجادله گر را که در آن زمان از خدا طلاق داده می شدند، چنین معرفی کند که چشمانی برای دیدن دارند، اما نمی بینند، و گوش هایی برای شنیدن دارند، اما نمی شنوند. اکنون نیز، همان گونه که آنگاه بود، حزقیال مردان استهزاکننده آدونیتیسم لائودکیه را خطاب می کند، یعنی یهودیان مجادله گر روزگار ما را، که در مخالفت با پیام باران آخر، پیام صلح و سلامتی را مطرح می سازند. عیسی تابع همان قواعدی بود که خود در کلامش قرار داده بود؛ از این رو، پیشگویی های او نیز ایام آخر را به گونه ای خاص تر از ایامی که در آن با یهودیان مجادله گر سخن گفت، مورد خطاب قرار می دهند.

از این رو با ایشان به مثل ها سخن می گویم، زیرا با آنکه می بینند، نمی بینند؛ و با آنکه می شنوند، نمی شنوند و نمی فهمند. و در ایشان نبوت اشعیا تحقق می یابد که می گوید: «به شنیدن خواهید شنید و نخواهید فهمید؛ و به دیدن خواهید دید و ادراک نخواهید کرد. زیرا دل این قوم سخت و سنگین شده است، و گوش هایشان در شنیدن کند گشته، و چشمان خود را بسته اند؛ مبدا زمانی با چشمان خود ببینند و با گوش های خود بشنوند و با دل خود بفهمند و بازگشت کنند، و من ایشان را شفا دهم.» اما خوشا به حال چشمان شما، زیرا می بینند؛ و گوش های شما، زیرا می شنوند. زیرا به راستی به شما می گویم که بسیاری از انبیا و عادلان آرزو داشتند آنچه را شما می بینید ببینند و ندیدند؛ و آنچه را شما می شنوید بشنوند و نشنیدند. متی 13:13-17.

به مظهر که ایک قوم سنتی ہے، پھر بھی نہیں سنتی، اور دیکھتی ہے، لیکن نہیں دیکھتی، خدا کے اُس سابقہ لوگوں کی خصوصیت ہے جو کنارے کر دیے جانے کے عمل میں ہیں۔ یہ نبوی مظهر ایسی حالت کے بارے میں یسعیاہ کی نبوت کی تکمیل ہے۔ اور تمام انبیا کی طرح، یسعیاہ بھی، مسیح کے ساتھ، آخری ایام ہی کی بابت کلام کر رہے ہیں۔

در سالی که عزیّا پادشاه وفات یافت، خداوند را دیدم که بر تختی بلند و برافراشته نشسته بود، و دامان ردایش هیکل را پر ساخته بود. سرافین بالای آن ایستاده بودند؛ هر یک را شش بال بود: با دو بال روی خویش را می پوشانید، و با دو بال پاهای خویش را می پوشانید، و با دو بال پرواز می کرد. و یکی دیگری را صدا زده، می گفت: «قدوس، قدوس، قدوس، یهوه صبايوت؛ تمامی زمین از جلال او مملو است.» و آستانه های درها از آواز او که ندا می داد می لرزید، و خانه از دود پر شد. آنگاه گفتم: «وای بر من، زیرا هلاک شده ام؛ چون مردی ناپاک لب هستم، و در میان قومی ناپاک لب ساکنم؛ زیرا چشمانم پادشاه، یهوه صبايوت، را دیده است.» سپس یکی از سرافین به سوی من پرواز کرد، و اخگری افروخته در دست داشت که آن را با انبر از روی مذبح برگرفته بود. و آن را بر دهانم نهاد و گفت: «اینک، این لب هایت را لمس کرده است؛ و گناهت برداشته شد و خطایت کفاره گردید.» و آواز خداوند را شنیدم که می گفت: «که را بفرستم، و که برای ما خواهد رفت؟» آنگاه گفتم: «لبیک، مرا بفرست.» و گفت: «برو و به این قوم بگو: هرآینه خواهید شنید، اما نخواهید فهمید؛ و هرآینه خواهید دید، اما ادراک نخواهید کرد. دل این قوم را فربه ساز، و گوش های ایشان را سنگین کن، و چشمان ایشان را ببند؛ مبدا با چشمان خود ببینند، و با گوش های خود بشنوند، و با دل خود بفهمند، و بازگشت کنند، و اشعیا ۱:۶-۱۰.

اشعیا، حزقیال و مسیح، همگی نمایانگر کسانی هستند که در ایام آخر، در هنگام باران آخر، مَهر می شوند؛ آنگاه که پیام راستین و پیام کاذب باران آخر، در تحقق حقوق باب دو، مورد مناظره قرار می گیرد. بنا بر گفته عیسی، در دوره ای که این امر به انجام می رسد، پارسایان مثل ها را «می بینند» که خود نمادی از نبوت است. «حکیمان» پیام نبوی باران آخر را درمی یابند، اما آنان که به وسیله یهودیان جدل گر نمایانده شده اند، نه می بینند و نه می شنوند؛ و بنا بر حزقیال، ایشان پیام صلح و ایمنی را عرضه می کنند و استدلال می ورزند که تحقق این پیشگویی ها در آینده ای دور واقع خواهد شد. آنان پیشگویی ها را انکار نمی کنند؛ یهودیان جدل گر نسبت به پیشگویی آمدن مسیح تنها اظهار زبانی

می‌کردند؛ اما صرفاً آن رویداد را به آینده‌ای بسیار دور منتقل می‌ساختند. با این همه، عیسی بر کسانی که پیام نبوی زمان خود را «می‌دیدند» برکت اعلام فرمود.

در روزگار مسیح، این همان پیامی بود که در هنگام تعمید او، زمانی که روح‌القدس نازل شد، فرارسید. نزول روح‌القدس در تعمید او، نزول فرشته مکاشفه ده را در ۱۱ اوت ۱۸۴۰ پیش‌نمون ساخت. نزول الهی در هر یک از این دو تاریخ، نشانگر فرارسیدن پیام حقیقت حاضر آن عصر بود؛ برای عیسی، این پیام مرگ و قیام او بود، چنان‌که در تعمیدش به تصویر کشیده شد. برای میلری‌ها، این پیام اسلام، یعنی وای اول و دوم، بود که پیام آزمون‌کننده نبوت زمان را تأیید کرد. هر دو این تاریخ‌ها با فرارسیدن پیام آزمون‌کننده باران آخر در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ هم‌راستا هستند. از این‌رو است که خواهر وایت مطالب زیر را ثبت می‌کند:

«تمام پیام‌هایی که از ۱۸۴۰ تا ۱۸۴۴ داده شد، اکنون باید با قوت عرضه شوند، زیرا بسیاری از مردم جهت‌یابی خود را از دست داده‌اند. این پیام‌ها باید به تمامی کلیساها برسند.»

مسیح فرمود: «خوشا به حال چشمان شما، زیرا می‌بینند؛ و گوش‌های شما، زیرا می‌شنوند. زیرا هرآینه به شما می‌گویم که بسیاری از انبیا و مردان عادل آرزو داشتند آنچه را شما می‌بینید، ببینند و ندیدند؛ و آنچه را شما می‌شنوید، بشنوند و نشنیدند» [متی ۱۳: ۱۶، ۱۷]. خوشا به حال چشمانی که آنچه را در سال‌های ۱۸۴۳ و ۱۸۴۴ دیده شد، دیدند.

«پیام داده شد. و در تکرار این پیام نباید هیچ تأخیری باشد، زیرا نشانه‌های زمان در حال تحقق یافتن‌اند؛ کار پایانی باید انجام شود. کاری عظیم در زمانی کوتاه انجام خواهد شد. به زودی، به تعیین خدا، پیامی داده خواهد شد که به فریادی بلند اوج خواهد گرفت. آنگاه دانیال در قرعه خویش خواهد ایستاد تا شهادت خود را بدهد.

«باید توجه کلیساهای ما برانگیخته شود. ما بر آستانه عظیم‌ترین رویداد در تاریخ جهان ایستاده‌ایم، و شیطان نباید بر قوم خدا قدرت یابد و آنان را به خواب فروبرد. پایت در اقتدار خود ظاهر خواهد شد. اکنون همه باید بیدار شوند و کتب مقدس را تفتیش کنند، زیرا خدا بر وفاداران خود آنچه را که در زمان آخر خواهد بود، آشکار خواهد ساخت. کلام خداوند باید با قدرت به قوم او برسد...»

«آنچه به من عرضه شده، این است که ما در خوابیم و زمان بازدید خود را نمی‌دانیم. اما اگر در حضور خدا فروتن شویم و او را با تمامی دل بطلبیم، از سوی ما یافت خواهد شد.» Manuscript Releases, volume 21, 436–438

هغه پیغام چې د مسیح په تاریخ کې د مسیحا د حاضر حقیقت د پیغام، او د ۱۸۴۰ څخه تر ۱۸۴۴ پورې د حاضر حقیقت د پیغام له خوا تمثیل شوی دی، د وروستیو ورځو پر لور اشاره کوي، کله چې د میلریتي پیغام تکرارېږي. هغه کسان چې په دغو تاریخونو کې د هغو کسانو په توګه انځور شوي چې «ویني او اوري» نه شي، «د خپلې لیدنې وخت نه پېژني.» کله چې اشعیا د وروستي باران د جعلی پیغام د قاصدانو لومړنۍ یادونه وړاندې کوي، هغه چې ویني، خو نه ویني، نو هغه هغه وخت نښه کوي چې دا دوره پکې پیلېږي، هماغه دوره چې خور وایې یې په اړه ویلي: «یو پیغام د خدای له ټاکنې څخه چې په لور فریاد به پراخ شي.» «د خدای ټاکنه» هغه ځانګړی وخت څرګندوي چې پیغام به پکې راورسېږي، او د اشعیا د شپږم باب په درېیم آیت کې، اشعیا هماغه وخت په ګوته کوي.

و یکی به دیگری ندا درداد و گفت: «قدّوس، قدّوس، قدّوس، یهوه صبايوت است؛ تمامی زمین از جلال او مملو است.» اشعیا ۶:۳

خواہر وایت تصریح می‌کند کہ ہنگامی کہ فرشتگان در آن بخشی کہ اشعیا نمایانگر کسانی است کہ چشم دارند و می‌بینند، اما نمی‌بینند، یکدیگر را ندا می‌دهند: «قدوس، قدوس، قدوس»، این امر در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ بہ تحقق می‌رسد.

”چون آنان [فرشتگان] آئندہ را می‌بینند، ہنگامی کہ تمامی زمین از جلال او مملو خواہد شد، سرود ظفرمند ستایش در نوایی دلنشین از یکی بہ دیگری انعکاس می‌یابد: «قدوس، قدوس، قدوس، یہوہ صباوت است.» آنان بہ طور کامل از جلال دادن بہ خدا خشنودند؛ و در حضور او، زیر لبخند تأیید او، دیگر هیچ نمی‌خواہند. در متجلی ساختن صورت او، در انجام دادن خدمت او و پرستش او، والاترین آرزوی ایشان بہ تمامی برآورده می‌شود.“ ریویو اند ہرالد، ۲۲ دسامبر ۱۸۹۶.

در یازدہم سپتامبر ۲۰۰۱، مہر شدن صد و چہل و چہار ہزار تن آغاز شد، و باران آخر بہ باریدن خفیف آغاز کرد، و در حالی کہ مثل دہ باکرہ در حال تکرار شدن بود، مجادلہ حَبَقوق آغاز شد. در آن ہنگام، نبوت حزقیال بہ تحقق کامل خود رسید. کلام نبوی دیگر بہ تأخیر نخواہد افتاد، و نسلی کہ یازدہم سپتامبر ۲۰۰۱ را مشاہدہ کرد، آخرین نسل سیارہ زمین است، زیرا رؤیا در پایان ادونتیسیم، بستہ شدن مہلت فیض را در آمدن دوم مسیح اعلام می‌کند. شاہد دومی بر این حقیقت در انجیل لوقا، باب بیست و یکم، یافت می‌شود.

بہ راستی بہ شما می‌گویم، این نسل نخواہد گذشت تا آنکہ ہمہ این امور بہ انجام رسد. آسمان و زمین زایل خواہد شد، اما سخنان من ہرگز زایل نخواہد شد. لوقا ۲۱:۳۲، ۳۳

در فصل بیست و یکم لوقا، عیسی آخرین نسل تاریخ زمین را شناسایی می‌کند. او بہ تازگی مروری بر تاریخی تدریجی ارائه کردہ است کہ از ویرانی اورشلیم در سال ۷۰ آغاز می‌شود و تا سراسر تاریخ میلری ادامہ می‌یابد. سپس از روایت شناسایی مستقیم تاریخ نبوی بیرون می‌آید و مثلی را مطرح می‌کند کہ بہ سادگی همان تاریخ نبوی ای را کہ ارائه کردہ بود تکرار می‌کند و بسط می‌دہد. بدین سان، او دو شاہد درونی برای یک روایت واحد فراہم ساخت، و در پایان با شناسایی این نکتہ کہ «نسلی» کہ شاہد این وقایع بود تا زمان بازگشت او زندہ خواہد ماند، در متن و سیاق سخن، همان نسلی را شناسایی کرد کہ بہ وسیلہ یکصد و چہل و چہار ہزار نمایانندہ شدہ است.

تاریخ مہر کیے جانے والے ایک لاکھ چوالیس ہزار کی سرگزشت آخری نسل کی سرگزشت ہے، اور وہ موت کا مزہ نہیں چکھتے، اگرچہ وہ اُس زمانے میں زندہ ہوتے ہیں جب آسمان اور زمین ٹل جائے ہیں۔

لیکن خداوند کا دن رات کے چور کی مانند آ پہنچے گا! جس میں آسمان بڑے گرددار شور کے ساتھ جاتے رہیں گے، اور عناصر سخت حرارت سے پگھل جائیں گے، اور زمین بھی اور اس کے اندر کے کام سب جل جائیں گے۔ پس جب یہ سب چیزیں اس طرح مضمحل ہونے والی ہیں تو تمہیں پاک چال چلن اور دینداری میں کیسے کیسے لوگ ہونا چاہیے، اور خدا کے دن کے آنے کے منتظر رہنا اور اس کی آمد کو جلد چاہنا چاہیے، جس میں آسمان آگ لگنے سے مضمحل ہو جائیں گے، اور عناصر سخت حرارت سے پگھل جائیں گے؟ 2 پطرس 3:10-12.

آمد ثانی مسیح در تجلی مسیح بہ تصویر کشیدہ شد.

»موسیٰ تجلی کے پہاڑ پر مسیح کی گناہ اور موت پر فتح کا ایک گواہ تھا۔ وہ اُن لوگوں کی نمائندگی کرتا تھا جو راستبازوں کے قیامت کے وقت قبر سے نکلیں گے۔ ایلہا، جو موت دیکھ بغیر آسمان پر اُٹھا لیا گیا تھا، اُن لوگوں کی نمائندگی کرتا تھا جو مسیح کی دوسری آمد کے وقت زمین پر زندہ ہوں گے، اور جو ”ایک دم میں، اُن کی آن میں، آخری نرسنگ پر“ ”بدل جائیں گے؛“ جب ”اس فانی کو بقا پہننا ضروری ہے،“ اور ”اسی زوال پذیر کو عدم فساد پہننا ضروری ہے۔“ 1 Corinthians. 15:51-53 یسوع آسمان کے نور سے ملبس تھا، جیسے وہ اُس وقت ظاہر ہوگا جب وہ ”گناہ کے بغیر

دوسری بار نجات کے لیے " آئے گا۔ کیونکہ وہ "اپنے باپ کے جلال میں مقدس فرشتوں کے ساتھ" آئے گا۔ Hebrews 9:28؛ Mark 8:38. نجات دہندہ کا شاگردوں سے کیا ہوا وعدہ اب پورا ہو گیا تھا۔ پہاڑ پر مستقبل کی پرجلال بادشاہی کو مختصر صورت میں ظاہر کیا گیا تھا،—مسیح بادشاہ، موسیٰ جی اُٹھنے والے مقدسین کا نمائندہ، اور ایلیاہ تبدیل کر لیے جانے والوں کا۔» The Desire of Ages, 421

ایلیاہ، کہ نمرود، نمائندہٴ آن یکصد و چہل و چہار ہزار نفری است کہ نمی‌میرند، و موسیٰ نمائندہٴ کسانی است کہ می‌میرند۔ در ایام آخر، این دو طبقہ در فصل ہفتم مکاشفہ، بہ صورت آن یکصد و چہل و چہار ہزار نفر و جماعت عظیم، نمایش دادہ شدہ‌اند۔ ہنگامی کہ مہر پنجم در فصل ششم مکاشفہ گشودہ می‌شود، بہ کسانی کہ در دوران قرون تاریک بہ وسیلہٴ پاپی‌گری بہ قتل رسیدند، جامہ‌های سفید دادہ می‌شود۔

«و چون مہر پنجم را گشود، دیدم در زیر مذبح، جان‌های کسانی را کہ بہ سبب کلام خدا و بہ سبب شہادت‌ی کہ بدان متمسک بودند کشتہ شدہ بودند؛ و ایشان بہ آواز بلند فریاد برآوردند و گفتند: تا بہ کی، ای خداوند قدوس و حق، داوری نمی‌کنی و انتقام خون ما را از ساکنان زمین نمی‌ستانی؟ و بہ ہر یک از ایشان جامہ‌ای سفید دادہ شد [آنان پاک و مقدس اعلام شدند]؛ و بدیشان گفتہ شد کہ اندک زمانی دیگر بیارامند، تا ہم‌خادمان ایشان نیز و برادرانشان کہ می‌بایست ہمچون ایشان کشتہ شوند، کامل گردند» [مکاشفہ ۹:۶-۱۱]۔ در اینجا صحنہ‌هایی بہ یوحنا نشان دادہ شد کہ در واقعیت آن زمان وجود نداشت، بلکہ اموری بود کہ در دورہ‌ای از زمان در آیندہ واقع می‌شد۔» Manuscript Releases, جلد ۲۰، ۱۹۷.

شہیدان می‌پرسند کہ خدا چہ زمانی خون ایشان را انتقام خواہد گرفت۔ یک شہید پیش از آن کہ کشتہ شود، ایمان عیسی را داشت؛ زیرا ظہور همان ایمان بود کہ پاپیت را برانگیخت تا او را بہ قتل رساند۔ جامہ‌های سفید نمایانگر عدالتِ مسیح‌اند، اما جامہ‌های سفیدی کہ بہ این جان‌های مقتول دادہ شد، پس از شہادتشان بہ آنان عطا گردید۔ این جامہ‌ها نمادِ شہادت‌اند، نہ صرفاً عدالتِ مسیح۔ شہید پیش از آن کہ کشتہ شود، جامہٴ عدالتِ مسیح را بر تن دارد۔ آن جماعتِ عظیم در مکاشفہٴ ہفت جامہ‌های سفید می‌یابند، و بدین‌سان نمایانگر کسانی ہستند کہ در خون‌ریزیِ قانون یکشنبہٴ آیندہ جان می‌سپارند۔ پس، یک‌صد و چہل و چہار ہزار بہ وسیلہٴ ایلیاہ نمایانندہ می‌شوند، و امینانی کہ در خداوند می‌میرند، بہ وسیلہٴ موسیٰ بر فرازِ کوہ تجلی۔

آن یک‌صد و چہل و چہار ہزار تن، نسلی ہستند کہ نمی‌میرند، و ایشان همان نسلی ہستند کہ مسیح در لوقا، فصل بیست و یک، بہ آنان اشارہ می‌کند؛ آنان کہ ہنگامی کہ آسمان‌ها و زمین زایل می‌شوند، زندہ‌اند۔

ما این مطالعہ را در مقالہٴ بعدی ادامہ خواہیم داد۔

«قتل ہابیل نخستین نمونہٴ آن عداوتی بود کہ خدا اعلام کردہ بود میان مار و نسل زن—میان شیطان و پیروانش، و مسیح و پیروان او—وجود خواہد داشت۔ از رہگذرِ گناہ انسان، شیطان بر نسل بشر تسلط یافتہ بود؛ اما مسیح آنان را قادر می‌ساخت کہ یوغ او را از گردن برنہند۔ ہرگاہ نفسی، بہ واسطہٴ ایمان بہ برہٴ خدا، خدمتِ گناہ را ترک گوید، خشم شیطان افروختہ می‌شود۔ زندگی مقدس ہابیل بر ضدِ ادعای شیطان شہادت می‌داد کہ نگاہ داشتنِ شریعتِ خدا برای انسان ناممکن است۔ ہنگامی کہ قائل، برانگیختہ از روح آن شیر، دید کہ نمی‌تواند ہابیل را تحت سلطہٴ خود درآورد، چنان بہ خشم آمد کہ جان او را گرفت۔ و ہر جا کسانی یافت شوند کہ در دفاع از عدالتِ شریعتِ خدا استوار بایستند، همان روح بر ضدِ ایشان ظاہر خواہد شد۔ این همان روحی است کہ در سراسر اعصار، برای شاگردانِ مسیح، تیرہٴ اعدام برپا داشتہ و ہیزمدان سوزان افروختہ است۔ اما قساوت‌هایی کہ بر پیرو عیسی انباشتہ می‌شود، بہ تحریکِ شیطان و سپاہیان

اوست، زیرا نمی‌توانند او را وادار به تسلیم در برابر سلطه خویش کنند. این خشم دشمنی مغلوب است. هر شهید عیسی، در مقام فاتح، جان سپرده است. نبی می‌گوید: «و ایشان بر او [آن مار قدیمی که ابلیس و شیطان خوانده می‌شود] به سبب خون بره و به سبب کلام شهادت خود غالب آمدند؛ و جان خود را تا به مرگ عزیز نداشتند.» مکاشفه 12:11، 9. «مشایخ و انبیا، 77.